تنها دری
که به بهشت
گشوده می‌شود

چارلز استنلی

انتشارات نور جهان

تنها دری که به بهشت گشوده می‌شود

آیا شما از آن دسته افراد هستید که خود را سهل گیر و نسبت به دیدگاههای مختلف انعطاف پذیر می دانند؟ در این صورت به چند نمونه از مواردی که مستلزم تصمیم گیری است توجه کنید.

فرض کنید پزشک به شما می گوید: «شما دچار ناراحتی قلبی هستید و باید عمل بای پس انجام دهید.» آیا می گوئید: «خوب، هر دکتری می تواند این عمل را انجام دهد. لطفاً یک متخصص کودکان یا احیاناً یک پزشک عمومی را به من معرفی کنید تا بروم و عمل کنم»؟ البته این طور نخواهید گفت. وقتی موضوع سلامتی شما در میان باشد، دیگر جائی برای سهل گیری و کوتاه فکری باقی نمی ماند و قطعاً در پی یافتن مجرب ترین متخصص قلب برخواهید آمد.

در مورد ازدواج چه؟ آیا می گوئید: «ای بابا! هر زنی شوهر می کند و هر مردی زن می گیرد»؟ البته که خیر! وقتی بخواهید شریک زندگی مورد علاقهٔ خود را انتخاب کنید، بیشتر از اینها روی آن فکر می کنید. هرگاه موضوع زندگی و شریک آینده زندگی

شما به میان بیاید، دیگر هیچ جائی برای سهل گیری و انعطاف پذیری نیست.

در مورد خرید یک دست لباس تازه چه؟ آیا وارد فروشگاهی می شوید و به فروشنده می گوئید: «یک دست لباس می خواهم، هر رنگ و هر اندازه ای باشد، مهم نیست»؟ خیر! طبعاً شما دنبال فروشنده پرحوصله ای می گردید که کنار شما بماند و مدلهای مختلف لباس با رنگ ها و اندازه های گوناگون را به شما نشان دهد. چندین مدل مختلف را امتحان می کنید تا بالاخره لباس مورد نظر خود را انتخاب کنید.

واقعیت این است که هیچ یک از ما آن طور که فکر می کنیم سهل گیر و انعطاف پذیر نیستیم. ممکن است در پاره ای موارد این طور باشیم ولی در برخی موارد دیگر، بسیار باریک بین و دقیق هستیم. هر اندازه موضوع مورد نظر ما مهم تر و جدی تری باشد، به همان اندازه در تصمیم گیری دقیق تر و محتاط تر می شویم.

عیسی مسیح در صحبت از نجات انسان فوق العاده صریح و دقیق بود. بیان او در این باره ممکن است به نظر عده ای تعصب و کوتاه نظری باشد ولی او به هیچ وجه برای این گفته اش پوزش نخواست:

"از در تنگ داخل شوید،
زیرا فراخ است آن در و وسیع است
آن طریقی که مؤدی به هلاکت است
و آنانی که بدان داخل می‌شوند، بسیارند.
زیرا تنگ است آن در
و دشوار است آن طریقی که مؤدی به حیات است
و یابندگان آن کم‌اند."

انجیل متی ۷:۱۳-۱۴

یك در به سوی بهشت

عیسی گفت برای ورود به بهشت تنها یک در وجود دارد. درهای جانبی یا درهای پشتی ندارد. دریچه ای در زیر یا دریچه ای در بالا هم ندارد. تنها و تنها یک در برای ورود به بهشت وجود دارد. از شما سؤال می کنم که آیا هرگز از آن در وارد شده اید؟

ممکن است در جواب بگوئید: «این حرف بسیار تنگ نظرانه است.» به هرحال اگر در مورد چیزی وسعت نظر داشته باشید که حقیقت نداشته باشد، کار شما بسیار احمقانه است. حقیقت بسیار باریک است. دو دو تا همیشه چهار تا می شود، چه در قرن پانزدهم

و چه در قرن بیستم، چه در ممالک غربی و چه در سرزمینهای شرقی.

موضوع حقیقت در میان است، نه احساسات و افکار ما بلکه همان حقیقتی که خدا در کلام خود تعلیم می دهد و آن را به انسان مکشوف می سازد.

باب سوم انجیل یوحنا در خصوص دری که به بهشت باز می شود، تعلیمی صریح و دقیق دربارهٔ این حقیقت دارد. حتی اگر شما از جمله کسانی باشید که معتقدند راههای زیادی برای رسیدن به خدا وجود دارد، بایستی از لحاظ فکری و عقلی به اندازه کافی صداقت داشته باشید که حقیقت کلام خدا را در مورد راهی که او برای نجات بشر معین کرده جدی بگیرید.

شخصی از فریسیان نیقودیموس نام از رؤسای یهود بود. او در شب نزد عیسی آمده به وی گفت: "ای استاد می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای زیرا هیچ کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمائی بنماید، جز اینکه خدا با وی باشد."

عیسی در جواب او گفت: "آمین، آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید."

نیقودیموس بدو گفت: "چگونه ممکن است انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟"

عیسی در جواب گفت: "آمین، آمین به تو می گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است. عجب مدار که به تو گفتم شما باید از سر نو مولود گردید" (انجیل یوحنا ۳: ۱-۷).

عیسی فرمود باید «از سر نو مولود شوید». اگر می خواهید با نیکوکاری و تقوای خودتان (درست مانند نیقودیموس فریسی) به بهشت برسید، بدون تردید بهشت را از دست خواهید داد.»

اعمال نیك كافی نیست

انسانهای زیادی هستند که کارهای قابل تحسینی انجام داده اند تا خود را برای ورود به بهشت آماده سازند. این افراد هر هفته روی نیمکت کلیسا می نشینند و تصمیم می گیرند عضو کلیسائی شوند یا تعمید بگیرند. ولی علیرغم نیت خیر و اعمال نیکویشان، وقتی می میرند جدائی ابدی از خدا در انتظارشان

است زیرا هرگز از عیسی مسیح، یگانه دری که به سوی بهشت باز می شود، وارد نمی شوند.

عیسی مسیح نگفت چه فکر خوبی است که انسان از سر نو مولود شود. نگفت که بهتر است انسان تولد تازه بیابد. گفته او به هیچ وجه حالت پیشنهاد نداشت. نگفت که تولد تازه یافتن، یکی از راههای ورود به ملکوت خدا است. مسیح گفت اگر می خواهید بعد از مرگ در ملکوت خدا باشید، باید تولد تازه بیابید. هیچ استثنائی وجود ندارد.

منظور عیسی از این گفته چه بود که «اگر کسی از سرنو مولود نشود ملکوت خدا را نخواهد دید»؟

نیکوکاری می تواند احساس خوبی در انسان بوجود آورد ولی اگر آن کارها بر اساس رابطه جدیدی با عیسی مسیح نباشد، در نهایت چیزی جز گسترش پر طمطراق غرور انسانی نخواهد بود.

عیسی دربارهٔ تعمید صحبت نمی کند. عده ای فکر می کنند که تعمید در ورود به بهشت است. فراموش نکنید، مسیح با شخصی یهودی صحبت می کرد که با تمام قدرت خود سعی می کرد از طریق آئینهای طهارت و پاکی، شریعت را نگاه دارد. تعمید تنها کافی نیست.

چرا باید تولد تازه بیابیم؟

با این وصف، پس چرا عیسی می گوید: «باید تولد تازه بیابید»؟ زیرا دل انسان همواره به سوی گناه تمایل دارد. کسانی که تولد تازه نیافته اند، در روح نسبت به خدا مرده اند، در ذهن نسبت به امور خدائی نابینا هستند، محبتی به خدا ندارند، نمی توانند با خدا ارتباط برقرار کنند، از خدا دورند و نسبت به خدا بیگانه و دشمن هستند. اعمال نیکو یا انجام امور مذهبی نمی تواند این وضعیت روحانی را تغییر دهد. تنها چیزی که این وضعیت را تغییر می دهد، زندگی تازه ای است که روح القدس به کسانی که مشتاق پذیرش او هستند عطا می کند.

تولد تازه، تجربه ای روحانی است. گناهان بشر از طریق تولد تازه بخشیده می شود، خون مسیح ایشان را پاک می کند و زندگی تازه ای در مسیح می بخشد. تجربه تولد تازه، تجربه فوری است وقتی

* به گناهکار بودن خود واقف شوید.
* اعتراف کنید که مسیح برای کفاره گناهان شما بر صلیب مرد و کفاره گناهان شما را تماماً پرداخت نمود.
* به گناهان خود اعتراف و از آنها توبه کنید و نیاز خود را به مسیح اعلام نمائید.

* بدانید که برای بخشایش گناهان خود مدیون عیسی مسیح هستید.
* با ایمان عیسی مسیح را به عنوان نجات دهندهٔ شخصی خود به جهت بخشش گناهان بپذیرید و تمام وجود خود را به شخص عیسی مسیح، پسر خدا تسلیم کنید.

شخص عیسی مسیح، پسر خدا

این مراحل، تجربه تولد تازه نامیده می شود. شما باید در روح از نو متولد شوید زیرا این تنها راهی است که می توانید مقبول نظر روح القدس شوید. هر فکر و کار دیگری غیر از این، تنها کوشش انسانی است. عیسی مسیح گفت: «من در هستم.» «تنها من آن در هستم.»

ممکن است بگوئید: «ولی این گفته، تنگ نظری صرف است.» اگر این تنگ نظری است پس آیا با این سخن موافق نیستید که خدای دانای مطلق، دلیلی بسیار مخصوص، روشن و الهی برای ممکن ساختن نجات بشر از طریق تنها یک شخص یعنی عیسی مسیح دارد؟

خدا در مورد راه ورود به ملکوت تنها یک فکر دارد چرا که تنها یک راه وجود دارد. «من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس نزد پدر جز به وسیلهٔ من نمی آید« (یوحنا ۱۴:۶).

ایمان آوردن به چه معنی است؟

مردم در مورد ایمان به عیسی مسیح صحبت می کنند، ولی ایمان به مسیح چه مفهومی دارد؟ آیا ایمان تنها به این معنی است که از لحاظ فکری و عقلی بپذیریم که او در بیت لحم متولد شد، بعدها معلم بزرگی گردید، معجزات انجام داد و نجات دهندهٔ جهان شد، به اضافه آنچه ممکن است از دیگران شنیده باشید؟ آیا ایمان فقط شامل اینها است؟

خیر! ایمان به عیسی مسیح صرفاً آگاهی یافتن و پذیرفتن هویت و اعمال او نیست. ایمان یعنی اینکه در روح خود اعلام و اقرار کنیم که عیسی پسر خدا است، به گناهانی که بر ضد خدا مرتکب شده ایم اعتراف کنیم و از آنها توبه نمائیم و او را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود متابعت کنیم.

نشانه این تولد تازه و ایمان به مسیح برای بخشش گناهان، ساکن شدن روح القدس در دلها و جانهای ما است. اگر روح خدا در شما باشد، تولد تازه یافته اید و روح خدا و زندگی او را دارید.

اگر بر ضد خدا گناه می کنید و احساس مجرمیت ندارید، البته روح خدا در شما ساکن نشده و تولد تازه نیافته اید و به جای ملکوت

به جهنم خواهید رفت. بدون حضور روح القدس که ضمانت خدا برای تولد تازه است، به حضور خدا وارد نخواهید شد.

تنها یک در برای ورود به بهشت وجود دارد و عیسی گفت: «من [آن] در هستم.» راه ورود شما تنها از طریق ایمان به عیسی مسیح ممکن می شود. ایمان به عیسی مسیح صرفاً پذیرش ذهنی نیست، بلکه مستلزم این است که انسان تمام وجود خود را به او بسپارد، یعنی تسلیم و تعهد به کسی زندگی او و تبدیل به زندگی شما می گردد و شما را متحول می سازد. این بدان معنی نیست که دیگر گناه نخواهید کرد، بلکه دیگر از گناه شادمان نمی شوید و از آن احساس عذاب و محکومیت خواهید داشت. این از عطایای بزرگ فیض خدا است که روح القدس به ما تولد تازه می دهد و ما را نسبت به گناهانمان ملزم می سازد.

چگونه می توانید
مسیح را به عنوان نجات دهنده بپذیرید؟

هر هفته مردان و زنان زیادی این سؤال را از من می پرسند: «دکتر استنلی، چگونه می توانم مطمئن شوم که به بهشت می روم؟ چگونه می توانم اطمینان پیدا کنم که این زندگی ابدی را که تقریباً

هر هفته در موردش صحبت می کنید و تعلیم می دهید، دارا هستم؟» در واقع سؤال دیگری در ورای این سؤال نهفته است: «دکتر استنلی، سهم من در این معادله چیست؟ می دانم خدا کاری می کند ولی من چکار کنم و چه کاری باید انجام دهم تا مطمئن شوم که به بهشت می روم؟»

سؤال خوبی است، زیرا ما در دنیائی زندگی می کنیم که فرهنگ عمل گرائی بر آن حاکم است. همه ما با این تفکر رشد کرده و بزرگ شده ایم که چیزی را مجانی به دست نمی آوریم، و اگر بخواهیم صاحب چیزی شویم، باید کاری انجام دهیم. ولی موضوع نجات متفاوت است. نجات قراردادی بین ما و خدا نیست که ما نقشی داشته باشیم و خدا هم نقشی داشته باشد. نجات نوعی داد و ستد نیست که در آن معیارها و استانداردهای مشخصی در نظر گرفته شوند. کتاب مقدس می گوید که نجات عطیه ای رایگان است.

اگر من بخواهم هدیه ای به شما بدهم لازم نیست کاری انجام دهید جز اینکه آن را بپذیرید. و این دقیقاً تصویری است که کتاب مقدس از نجات ارائه می دهد. نجات هدیه است و نقش ما تنها این است که آن را بپذیریم.

سؤال بعدی این است: «خوب، بعد چه؟ چگونه آن را بپذیرم؟ می دانم چگونه هدیه های معمول را قبول کنم ولی در مورد هدیه روحانی چه؟»

کتاب مقدس می گوید که این هدیه روحانی را با ایمان یا اعتماد می پذیریم. اجازه دهید آن را این طور تشریح کنم. نجات ما زمانی میسر می شود که به این واقعیت تاریخی که عیسی بر صلیب مرد و نیز به این حقیقت الهی که مرگ او کفاره گناهان ما شد، صددرصد اعتماد داشته باشیم. خدا تنها این را از ما می خواهد که به مرگ مسیح بر صلیب به عنوان کفاره گناهان ما کاملاً اعتماد و اطمینان داشته باشیم.

به عبارت دیگر نجات وقتی حاصل می شود که درک کنیم جز به مرگ عیسی مسیح به چیزی دیگری توکل و اعتماد نکنیم، نه به عضویت خود در کلیسا، نه به تعمید خویش، نه به خدمتهائی که انجام می دهیم و نه به چیزهائی که داریم یا می بخشیم. کسب نجات مستلزم این است که به مرگ مسیح بر صلیب به عنوان کفاره گناهان ما صد در صد اعتماد و اطمینان داشته باشیم.

می بینید که این برای کسانی که در دو طرف این موضوع قرار دارند خبر خوبی است. در میان شما بسیاری هستند که اعمال

نیکوی فراوانی انجام داده اند و تمایل دارند به کارهای نیکویشان اعتماد کنند. کسانی دیگر هستند که ممکن است بیشتر شبیه آن دزدی باشند که در کنار عیسی مصلوب شده بود، مردی که هیچ کار خوبی انجام نداده بود، تمام زندگیش به بطالت گذشته بود و اگر می بایست به اعمال نیکو توکل می داشت، به خوبی می دانست که هیچ امیدی ندارد. ولی در موضوع نجات، چون هدیه محسوب می شود، اعمال و کوشش های ما هیچ جائی در این معادله ندارد.

و همان طور که اعمال نیکو ضامن ورود ما به بهشت نیست، اعمال بد نیز موجب بیرون ماندن ما از بهشت نمی شود چرا که اصلاً نقشی ندارند. تنها نکتهٔ مؤثر این است که به چه کسی و چه چیزی توکل داریم.

از شما می خواهم به دو موضوع مهم فکر کنید. بر چه چیزی توکل دارید؟ و دوم اینکه چه چیزی شما را از اعتماد به این حقیقت که مسیح برای گناهان شما مرد و از مردگان برخاست تا حیات ابدی را برای شما نیز فراهم سازد باز می دارد؟ از شما می خواهم وقتی به دقت در مورد این دو موضوع فکر می کنید با جملاتی که در زیر می آید دعا کنید. این دعا بسیار شبیه دعائی است که سالها پیش وقتی شخصی برای اولین بار موضوع نجات را برایم توضیح داد بر زبان آوردم:

خدایا به خوبی می‌دانم که به نجات دهنده احتیاج دارم. می‌دانم که گناه من به اندازه‌ای بزرگ هست که مرا از ورود به بهشت محروم کند. خدایا این را هم می‌دانم که هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم تا راه ورود به ملکوت تو را بیابم. پدر آسمانی، هم‌اکنون تمامی اعتماد و توکل خود را بر مرگ مسیح بر صلیب به عنوان کفارهٔ گناهانم قرار می‌دهم، زیرا ایمان دارم که اعمال من هیچ هستند و نجات من از کاری است که تو دو هزار سال پیش برای من انجام دادی.»

اگر تو نیز این دعا را از صمیم قلب بر زبان آوری، امروز را فراموش مکن و در اطمینان از اینکه ابدیت خود را با خدا خواهی بود آرامی داشته باش.

خلاصه

انسان با اعمال نیکوی خویش نمی‌تواند وارد ملکوت خدا شود زیرا در روح مرده است و اعمال نیکو نقشی در حیات ابدی ندارد. انسان به وسیله گناه که تخطی از قوانین و معیارهای خداست از او دور افتاده و از کاملیتی که شریعت خدا از بشر می‌خواهد سقوط کرده است. مجازات گناه، دوری ابدی از حضور خدا یعنی مرگ است و هیچ نیکوکاری بزرگی نمی‌تواند این مجازات را لغو کند.

عیسی به این جهان آمد تا انسان گناهکار را با خدا آشتی دهد و برای گناهان بشر بمیرد. مرگ او بر صلیب، عدالت خدا را به تحقق رساند، مجازات گناهان را پرداخت و دری به سوی بهشت بر ما گشود. با ایمان به مسیح، با اعتراف به گناهکار بودن خود و پذیرفتن بخشش مسیح، از آن در عبور خواهید کرد. وقتی مسیح را بپذیرید، عطیهٔ حیات ابدی را پذیرفته اید.

پذیرش مسیح یعنی ایمان به اینکه او پسر خدا است که به جای شما و به خاطر گناهان شما بر صلیب جان داد و روز سوم از مردگان برخاست تا نجات و حیات ابدی را به شما ارزانی دارد.

می توانید مطمئن باشید که اگر از مسیح بخواهید وارد زندگی شما شود، خواهد آمد و در شما ساکن خواهد شد.

و آن شهادت این است
که خدا حیات جاودانی به ما داده است
و این حیات در پسر اوست.
آنکه پسر را دارد حیات را دارد
و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را نیافته است.
رسالهٔ اول یوحنا ۵:۱۱-۱۲

اگر تصمیم گرفته اید مسیح را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرید، ابدیت شما با خدا تحقق یافته است. چنانچه مایل هستید در مورد تحولاتی که به هنگام پذیرش مسیح در زندگیتان صورت می گیرد بیشتر بدانید، به کتاب «امنیت ابدی» نوشته دکتر چالز استنلی - که به زبان فارسی نیز ترجمه شده - مراجعه کنید.

می توانید مطمئن باشید که اگر از مسیح بخواهید وارد زندگی شما شود، خواهد آمد و در شما ساکن خواهد شد.

و آن شهادت این است
که خدا حیات جاودانی به ما داده است
و این حیات در پسر اوست.
آنکه پسر را دارد حیات را دارد
و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را نیافته است.
رسالهٔ اول یوحنا ۵:۱۱-۱۲

اگر تصمیم گرفته اید مسیح را به عنوان نجات دهنده خود بپذیرید، ابدیت شما با خدا تحقق یافته است. چنانچه مایل هستید در مورد تحولاتی که به هنگام پذیرش مسیح در زندگیتان صورت می گیرد بیشتر بدانید، به کتاب «امنیت ابدی» نوشته دکتر چالز استنلی - که به زبان فارسی نیز ترجمه شده - مراجعه کنید.

تنها دری که به بهشت گشوده می‌شود

آیا شما از آن دسته افراد هستید که خود را سهل گیر و نسبت به دیدگاههای مختلف انعطاف پذیر می دانند؟ در این صورت به چند نمونه از مواردی که مستلزم تصمیم گیری است توجه کنید.

فرض کنید پزشک به شما می گوید: «شما دچار ناراحتی قلبی هستید و باید عمل بای پس انجام دهید.» آیا می گوئید: «خوب، هر دکتری می تواند این عمل را انجام دهد. لطفاً یک متخصص کودکان یا احیاناً یک پزشک عمومی را به من معرفی کنید تا بروم و عمل کنم»؟ البته این طور نخواهید گفت. وقتی موضوع سلامتی شما در میان باشد، دیگر جائی برای سهل گیری و کوتاه فکری باقی نمی ماند و قطعاً در پی یافتن مجرب ترین متخصص قلب برخواهید آمد.

در مورد ازدواج چه؟ آیا می گوئید: «ای بابا! هر زنی شوهر می کند و هر مردی زن می گیرد»؟ البته که خیر! وقتی بخواهید شریک زندگی مورد علاقهٔ خود را انتخاب کنید، بیشتر از اینها روی آن فکر می کنید. هرگاه موضوع زندگی و شریک آینده زندگی

شما به میان بیاید، دیگر هیچ جائی برای سهل گیری و انعطاف پذیری نیست.

در مورد خرید یک دست لباس تازه چه؟ آیا وارد فروشگاهی می شوید و به فروشنده می گوئید: «یک دست لباس می خواهم، هر رنگ و هر اندازه ای باشد، مهم نیست»؟ خیر! طبعاً شما دنبال فروشنده پرحوصله ای می گردید که کنار شما بماند و مدلهای مختلف لباس با رنگ ها و اندازه های گوناگون را به شما نشان دهد. چندین مدل مختلف را امتحان می کنید تا بالاخره لباس مورد نظر خود را انتخاب کنید.

واقعیت این است که هیچ یک از ما آن طور که فکر می کنیم سهل گیر و انعطاف پذیر نیستیم. ممکن است در پاره ای موارد این طور باشیم ولی در برخی موارد دیگر، بسیار باریک بین و دقیق هستیم. هر اندازه موضوع مورد نظر ما مهم تر و جدی تری باشد، به همان اندازه در تصمیم گیری دقیق تر و محتاط تر می شویم.

عیسی مسیح در صحبت از نجات انسان فوق العاده صریح و دقیق بود. بیان او در این باره ممکن است به نظر عده ای تعصب و کوتاه نظری باشد ولی او به هیچ وجه برای این گفته اش پوزش نخواست:

خلاصه

انسان با اعمال نیکوی خویش نمی تواند وارد ملکوت خدا شود زیرا در روح مرده است و اعمال نیکو نقشی در حیات ابدی ندارد. انسان به وسیله گناه که تخطی از قوانین و معیارهای خداست از او دور افتاده و از کاملیتی که شریعت خدا از بشر می خواهد سقوط کرده است. مجازات گناه، دوری ابدی از حضور خدا یعنی مرگ است و هیچ نیکوکاری بزرگی نمی تواند این مجازات را لغو کند.

عیسی به این جهان آمد تا انسان گناهکار را با خدا آشتی دهد و برای گناهان بشر بمیرد. مرگ او بر صلیب، عدالت خدا را به تحقق رساند، مجازات گناهان را پرداخت و دری به سوی بهشت بر ما گشود. با ایمان به مسیح، با اعتراف به گناهکار بودن خود و پذیرفتن بخشش مسیح، از آن در عبور خواهید کرد. وقتی مسیح را بپذیرید، عطیهٔ حیات ابدی را پذیرفته اید.

پذیرش مسیح یعنی ایمان به اینکه او پسر خدا است که به جای شما و به خاطر گناهان شما بر صلیب جان داد و روز سوم از مردگان برخاست تا نجات و حیات ابدی را به شما ارزانی دارد.

خدایا به خوبی می‌دانم که به نجات دهنده احتیاج دارم. می‌دانم که گناه من به اندازه‌ای بزرگ هست که مرا از ورود به بهشت محروم کند. خدایا این را هم می‌دانم که هیچ کاری نمی‌توانم انجام دهم تا راه ورود به ملکوت تو را بیابم. پدر آسمانی، هم‌اکنون تمامی اعتماد و توکل خود را بر مرگ مسیح بر صلیب به عنوان کفارهٔ گناهانم قرار می‌دهم، زیرا ایمان دارم که اعمال من هیچ هستند و نجات من از کاری است که تو دو هزار سال پیش برای من انجام دادی.»

اگر تو نیز این دعا را از صمیم قلب بر زبان آوری، امروز را فراموش مکن و در اطمینان از اینکه ابدیت خود را با خدا خواهی بود آرامی داشته باش.

"از درِ تنگ داخل شوید،
زیرا فراخ اَست آن در و وسیع است
آن طریقی که مؤدی به هلاکت است
و آنانی که بدان داخل می‌شوند، بسیارند.
زیرا تنگ است آن در
و دشوار است آن طریقی که مؤدی به حیات است
و یابندگان آن کم‌اند."
انجیل متی ۷:۱۳-۱۴

یك در به سوی بهشت

عیسی گفت برای ورود به بهشت تنها یک در وجود دارد. درهای جانبی یا درهای پشتی ندارد. دریچه ای در زیر یا دریچه ای در بالا هم ندارد. تنها و تنها یک در برای ورود به بهشت وجود دارد. از شما سؤال می کنم که آیا هرگز از آن در وارد شده اید؟

ممکن است در جواب بگوئید: «این حرف بسیار تنگ نظرانه است.» به هرحال اگر در مورد چیزی وسعت نظر داشته باشید که حقیقت نداشته باشد، کار شما بسیار احمقانه است. حقیقت بسیار باریک است. دو دو تا همیشه چهار تا می شود، چه در قرن پانزدهم

و چه در قرن بیستم، چه در ممالک غربی و چه در سرزمینهای شرقی.

موضوع حقیقت در میان است، نه احساسات و افکار ما بلکه همان حقیقتی که خدا در کلام خود تعلیم می دهد و آن را به انسان مکشوف می سازد.

باب سوم انجیل یوحنا در خصوص دری که به بهشت باز می شود، تعلیمی صریح و دقیق دربارهٔ این حقیقت دارد. حتی اگر شما از جمله کسانی باشید که معتقدند راههای زیادی برای رسیدن به خدا وجود دارد، بایستی از لحاظ فکری و عقلی به اندازه کافی صداقت داشته باشید که حقیقت کلام خدا را در مورد راهی که او برای نجات بشر معین کرده جدی بگیرید.

شخصی از فریسیان نیقودیموس نام از رؤسای یهود بود. او در شب نزد عیسی آمده به وی گفت: «ای استاد می‌دانیم که تو معلم هستی که از جانب خدا آمده‌ای زیرا هیچ کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌نمائی بنماید، جز اینکه خدا با وی باشد.»

عیسی در جواب او گفت: «آمین، آمین به تو می گویم اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید.»

نیکوی فراوانی انجام داده اند و تمایل دارند به کارهای نیکویشان اعتماد کنند. کسانی دیگر هستند که ممکن است بیشتر شبیه آن دزدی باشند که در کنار عیسی مصلوب شده بود، مردی که هیچ کار خوبی انجام نداده بود، تمام زندگیش به بطالت گذشته بود و اگر می بایست به اعمال نیکو توکل می داشت، به خوبی می دانست که هیچ امیدی ندارد. ولی در موضوع نجات، چون هدیه محسوب می شود، اعمال و کوشش های ما هیچ جائی در این معادله ندارد.

و همان طور که اعمال نیکو ضامن ورود ما به بهشت نیست، اعمال بد نیز موجب بیرون ماندن ما از بهشت نمی شود چرا که اصلاً نقشی ندارند. تنها نکتهٔ مؤثر این است که به چه کسی و چه چیزی توکل داریم.

از شما می خواهم به دو موضوع مهم فکر کنید. بر چه چیزی توکل دارید؟ و دوم اینکه چه چیزی شما را از اعتماد به این حقیقت که مسیح برای گناهان شما مرد و از مردگان برخاست تا حیات ابدی را برای شما نیز فراهم سازد باز می‌دارد؟ از شما می خواهم وقتی به دقت در مورد این دو موضوع فکر می کنید با جملاتی که در زیر می آید دعا کنید. این دعا بسیار شبیه دعائی است که سالها پیش وقتی شخصی برای اولین بار موضوع نجات را برایم توضیح داد بر زبان آوردم:

سؤال بعدی این است: «خوب، بعد چه؟ چگونه آن را بپذیرم؟ می دانم چگونه هدیه های معمول را قبول کنم ولی در مورد هدیه روحانی چه؟»

کتاب مقدس می گوید که این هدیه روحانی را با ایمان یا اعتماد می پذیریم. اجازه دهید آن را این طور تشریح کنم. نجات ما زمانی میسر می شود که به این واقعیت تاریخی که عیسی بر صلیب مرد و نیز به این حقیقت الهی که مرگ او کفاره گناهان ما شد، صددرصد اعتماد داشته باشیم. خدا تنها این را از ما می خواهد که به مرگ مسیح بر صلیب به عنوان کفاره گناهان ما کاملاً اعتماد و اطمینان داشته باشیم.

به عبارت دیگر نجات وقتی حاصل می شود که درک کنیم جز به مرگ عیسی مسیح به چیزی دیگری توکل و اعتماد نکنیم، نه به عضویت خود در کلیسا، نه به تعمید خویش، نه به خدمتهائی که انجام می دهیم و نه به چیزهائی که داریم یا می بخشیم. کسب نجات مستلزم این است که به مرگ مسیح بر صلیب به عنوان کفاره گناهان ما صد در صد اعتماد و اطمینان داشته باشیم.

می بینید که این برای کسانی که در دو طرف این موضوع قرار دارند خبر خوبی است. در میان شما بسیاری هستند که اعمال

نیقودیموس بدو گفت: "چگونه ممکن است انسانی که پیر شده باشد، مولود گردد؟ آیا می‌شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود شود؟"

عیسی در جواب گفت: "آمین، آمین به تو می گویم اگر کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت خدا شود. آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح مولود گشت روح است. عجب مدار که به تو گفتم شما باید از سر نو مولود گردید" (انجیل یوحنا ۳:۱-۷).

عیسی فرمود باید «از سر نو مولود شوید». اگر می خواهید با نیکوکاری و تقوای خودتان (درست مانند نیقودیموس فریسی) به بهشت برسید، بدون تردید بهشت را از دست خواهید داد.»

اعمال نیک کافی نیست

انسانهای زیادی هستند که کارهای قابل تحسینی انجام داده اند تا خود را برای ورود به بهشت آماده سازند. این افراد هر هفته روی نیمکت کلیسا می نشینند و تصمیم می گیرند عضو کلیسائی شوند یا تعمید بگیرند. ولی علیرغم نیت خیر و اعمال نیکویشان، وقتی می میرند جدائی ابدی از خدا در انتظارشان

است زیرا هرگز از عیسی مسیح، یگانه دری که به سوی بهشت باز می شود، وارد نمی شوند.

عیسی مسیح نگفت چه فکر خوبی است که انسان از سر نو مولود شود. نگفت که بهتر است انسان تولد تازه بیابد. گفته او به هیچ وجه حالت پیشنهاد نداشت. نگفت که تولد تازه یافتن، یکی از راههای ورود به ملکوت خدا است. مسیح گفت اگر می خواهید بعد از مرگ در ملکوت خدا باشید، باید تولد تازه بیابید. هیچ استثنائی وجود ندارد.

منظور عیسی از این گفته چه بود که «اگر کسی از سرنو مولود نشود ملکوت خدا را نخواهد دید»؟

نیکوکاری می تواند احساس خوبی در انسان بوجود آورد ولی اگر آن کارها بر اساس رابطه جدیدی با عیسی مسیح نباشد، در نهایت چیزی جز گسترش پر طمطراق غرور انسانی نخواهد بود.

عیسی دربارهٔ تعمید صحبت نمی کند. عده ای فکر می کنند که تعمید در ورود به بهشت است. فراموش نکنید، مسیح با شخصی یهودی صحبت می کرد که با تمام قدرت خود سعی می کرد از طریق آئینهای طهارت و پاکی، شریعت را نگاه دارد. تعمید تنها کافی نیست.

هر هفته در موردش صحبت می کنید و تعلیم می دهید، دارا هستم؟»

در واقع سؤال دیگری در ورای این سؤال نهفته است: «دکتر استنلی، سهم من در این معادله چیست؟ می دانم خدا کاری می کند ولی من چکار کنم و چه کاری باید انجام دهم تا مطمئن شوم که به بهشت می روم؟»

سؤال خوبی است، زیرا ما در دنیائی زندگی می کنیم که فرهنگ عمل گرائی بر آن حاکم است. همه ما با این تفکر رشد کرده و بزرگ شده ایم که چیزی را مجانی به دست نمی آوریم، و اگر بخواهیم صاحب چیزی شویم، باید کاری انجام دهیم. ولی موضوع نجات متفاوت است. نجات قراردادی بین ما و خدا نیست که ما نقشی داشته باشیم و خدا هم نقشی داشته باشد. نجات نوعی داد و ستد نیست که در آن معیارها و استانداردهای مشخصی در نظر گرفته شوند. کتاب مقدس می گوید که نجات عطیه ای رایگان است.

اگر من بخواهم هدیه ای به شما بدهم لازم نیست کاری انجام دهید جز اینکه آن را بپذیرید. و این دقیقاً تصویری است که کتاب مقدس از نجات ارائه می دهد. نجات هدیه است و نقش ما تنها این است که آن را بپذیریم.

به جهنم خواهید رفت. بدون حضور روح القدس که ضمانت خدا برای تولد تازه است، به حضور خدا وارد نخواهید شد.

تنها یک در برای ورود به بهشت وجود دارد و عیسی گفت: «من [آن] در هستم.» راه ورود شما تنها از طریق ایمان به عیسی مسیح ممکن می شود. ایمان به عیسی مسیح صرفاً پذیرش ذهنی نیست، بلکه مستلزم این است که انسان تمام وجود خود را به او بسپارد، یعنی تسلیم و تعهد به کسی زندگی او و تبدیل به زندگی شما می گردد و شما را متحول می سازد. این بدان معنی نیست که دیگر گناه نخواهید کرد، بلکه دیگر از گناه شادمان نمی شوید و از آن احساس عذاب و محکومیت خواهید داشت. این از عطایای بزرگ فیض خدا است که روح القدس به ما تولد تازه می دهد و ما را نسبت به گناهانمان ملزم می سازد.

چگونه می توانید
مسیح را به عنوان نجات دهنده بپذیرید؟

هر هفته مردان و زنان زیادی این سؤال را از من می پرسند: «دکتر استنلی، چگونه می توانم مطمئن شوم که به بهشت می روم؟ چگونه می توانم اطمینان پیدا کنم که این زندگی ابدی را که تقریباً

چرا باید تولد تازه بیابیم؟

با این وصف، پس چرا عیسی می گوید: «باید تولد تازه بیابید»؟ زیرا دل انسان همواره به سوی گناه تمایل دارد. کسانی که تولد تازه نیافته اند، در روح نسبت به خدا مرده اند، در ذهن نسبت به امور خدائی نابینا هستند، محبتی به خدا ندارند، نمی توانند با خدا ارتباط برقرار کنند، از خدا دورند و نسبت به خدا بیگانه و دشمن هستند. اعمال نیکو یا انجام امور مذهبی نمی تواند این وضعیت روحانی را تغییر دهد. تنها چیزی که این وضعیت را تغییر می دهد، زندگی تازه ای است که روح القدس به کسانی که مشتاق پذیرش او و هستند عطا می کند.

تولد تازه، تجربه ای روحانی است. گناهان بشر از طریق تولد تازه بخشیده می شود، خون مسیح ایشان را پاک می کند و زندگی تازه ای در مسیح می بخشد. تجربه تولد تازه، تجربه فوری است وقتی

✽ به گناهکار بودن خود واقف شوید.

✽ اعتراف کنید که مسیح برای کفاره گناهان شما بر صلیب مرد و کفاره گناهان شما را تماماً پرداخت نمود.

✽ به گناهان خود اعتراف و از آنها توبه کنید و نیاز خود را به مسیح اعلام نمائید.

* بدانید که برای بخشایش گناهان خود مدیون عیسی مسیح هستید.
* با ایمان عیسی مسیح را به عنوان نجات دهندهٔ شخصی خود به جهت بخشش گناهان بپذیرید و تمام وجود خود را به شخص عیسی مسیح، پسر خدا تسلیم کنید.

شخص عیسی مسیح، پسر خدا

این مراحل، تجربه تولد تازه نامیده می شود. شما باید در روح از نو متولد شوید زیرا این تنها راهی است که می توانید مقبول نظر روح القدس شوید. هر فکر و کار دیگری غیر از این، تنها کوشش انسانی است. عیسی مسیح گفت: «من در هستم.» «تنها من آن در هستم.»

ممکن است بگوئید: «ولی این گفته، تنگ نظری صرف است.» اگر این تنگ نظری است پس آیا با این سخن موافق نیستید که خدای دانای مطلق، دلیلی بسیار مخصوص، روشن و الهی برای ممکن ساختن نجات بشر از طریق تنها یک شخص یعنی عیسی مسیح دارد؟

خدا در مورد راه ورود به ملکوت تنها یک فکر دارد چرا که تنها یک راه وجود دارد. «من راه و راستی و حیات هستم، هیچ کس نزد پدر جز به وسیلهٔ من نمی آید« (یوحنا ۱۴:۶).

ایمان آوردن به چه معنی است؟

مردم در مورد ایمان به عیسی مسیح صحبت می کنند، ولی ایمان به مسیح چه مفهومی دارد؟ آیا ایمان تنها به این معنی است که از لحاظ فکری و عقلی بپذیریم که او در بیت‌لحم متولد شد، بعدها معلم بزرگی گردید، معجزات انجام داد و نجات دهندهٔ جهان شد، به اضافه آنچه ممکن است از دیگران شنیده باشید؟ آیا ایمان فقط شامل اینها است؟

خیر! ایمان به عیسی مسیح صرفاً آگاهی یافتن و پذیرفتن هویت و اعمال او نیست. ایمان یعنی اینکه در روح خود اعلام و اقرار کنیم که عیسی پسر خدا است، به گناهانی که بر ضد خدا مرتکب شده ایم اعتراف کنیم و از آنها توبه نمائیم و او را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود متابعت کنیم.

نشانه این تولد تازه و ایمان به مسیح برای بخشش گناهان، ساکن شدن روح القدس در دلها و جانهای ما است. اگر روح خدا در شما باشد، تولد تازه یافته اید و روح خدا و زندگی او را دارید.

اگر بر ضد خدا گناه می کنید و احساس مجرمیت ندارید، البته روح خدا در شما ساکن نشده و تولد تازه نیافته اید و به جای ملکوت